



## دخترک شیرینی که نگاه‌ها را به خود جلب کرد

نیروه حسینی - چه احساسی می‌تواند در تمام زندگی خانوادگی ات دلنشین‌تر از این باشد که وقتی قرار است زور نبر پروژکتورها و صدای خوشایند فلاش بی در پی دوربین عکاسان صدها خبرگزاری و رسانه در مهم‌ترین رخداد سینمایی کشور جایزه‌ات را بگیرد، نگاه‌ها را بکشی به سمت دختر کوچکت که ناگهان تشویقی پر شور را برای حضور خودش می‌خرد آن هم در بحبوحه انتظار اعلام اسامی برنده‌ها و با حضور ده‌ها چهره سرشناس هنری و محبوب؟! دختر کی نازنین با چهره‌ای نمکین و دلنشین، با حجابی که سر تا پای کوچکش را پوشانده و با پدر برای گرفتن جایزه‌اش هم گام می‌شود تا با این حضور کوتاه، به دنیایی چشم که به او دوخته شده، بگوید: پدرم، در کنار همه فعالیت‌های هنری‌اش، پابندستی ارزشمندی به خانواده دارد. توجه «محمود رضوی» تهیه‌کننده فیلم «ماجرای نیمروز» که توانست سیمرغ «بهترین فیلم» جشنواره‌ها را به خانه ببرد، به خانواده و حضور دختر کوچکش همراه با او روی صحنه، می‌تواند حکایتگر پیوند عمیق و گرم اعضای خانواده و نگاه ژرف پدر به رابطه‌ای باشد که با فرزندش دارد. نگاه ممتد حاضران به دختر باحجاب کوچکی که با اعتماد به نفس راه خودش را می‌رود، شخصیتی استوار از او را در



آینده‌ای شاید هنری نوید می‌دهد. بی‌تردید حضور خانوادگی برخی هنرمندان طی سال‌های اخیر برای دریافت جوایز و نشان‌های هنری، تصویری روشن و جذاب از قدرشناسی آنان از زحمات و همراهی‌های خانواده‌شان به دست می‌دهد. شاید بهتر باشد از این پس سیمرغ‌ها به جای دستان شخص هنرمند در دامن خانواده‌ان‌ها بنشینند.

## یادی از اهمیت فرهنگ فراموش شده‌نامه‌نگاری

# دست‌نویس ماندگار

**مصطفی میرجانیان** - دنیا و چگونگی تعامل و ارتباط آدم‌ها با هم، عوض شده است. با پیشرفت فناوری، ابعاد زیادی از سبک زندگی همه آدم‌ها دستخوش تغییر شده و زندگی و ارتباطات این روزها، شباهت چندانی به چند دهه قبل ندارد. یکی از چیزهایی که شکل، شمایل و حتی کارکردش عوض شده، «نامه» و فرهنگ «نامه‌نگاری» است. روزهایی نه چندان دور، روزهایی که هنوز پست الکترونیک و پیام‌های دو سه کلمه‌ای و عجله‌ای شبکه‌های ارتباطی مجازی، بار حرف‌ها و احساساتمان را به دوش نمی‌کشید، در فاصله دیدارها با حتی وقتی همدیگر را می‌دیدیم، برای بیان حرف‌های مگو، برای هم‌نامه می‌نوشتیم؛ کاغذهای خوشبو با حاشیه‌های متنوع، کاغذهای عطری رنگارنگ، دست‌خط‌های ارزان و گاهی حتی قطره اشکی که روی سطرها چکیده بود، پاکت و تمبرهای متنوع، مزه چسب در پاکت‌نامه توی دهان، صندوق‌های زردرنگ پست و حرف‌هایی که با هزار امید، پست می‌شد. حرف‌هایی که بنا به ذات‌نامه، قطع نمی‌شد و مخاطب یک سره و بی‌وقفه، می‌خواند و می‌خواندشان و از آن طرف، انتظار شیرین برای جواب‌نامه؛ انتظار برای شنیدن صدای موتور پستیچی، برای لغزیدن یک پاکت کاغذی از زیر در توی حیاط و نامه‌هایی که بارها و بارها مرور می‌شد و جزو محبوب‌ترین داشته‌های هر آدم بود. نامه‌نگاری‌ها، هم محبت داشت، هم طلمانیته. هم صبر و انتظار داشت و هم لذت. فرهنگی که شاید به واسطه سرعت حاکم بر زندگی‌های این روزها یا بی‌حوصلگی ناشی از همین سرعت سرسام‌آور، کمرنگ شده، اما چه خوب می‌شد اگر دوباره زنده می‌شد. پرونده امروز «زندگی سالم»، نگاهی دارد بر فرهنگ‌نامه و نامه‌نگاری؛ این که نوشتن نامه چه تأثیرات مثبتی دارد و چرا زنده کردن این فرهنگ، اقدام مثبتی است. به همین بهانه، سری زدیم به مرکز توانبخشی جانبازان مشهد تا با دعوت از این بزرگواران برای نامه‌نوشتن، قدمی به سوی زنده کردن این فرهنگ کمرنگ شده برداریم. با ما همراه باشید.



## چرا نامه‌نوشتن خوبه؟

### ■ برای نامه‌می‌نویسم، چون ارزشمندی

در روزهایی که فناوری، راه‌های ساده‌زیادی برای برقراری ارتباط با اطرافیان و عزیزان پیش رویمان قرار داده، حوصله‌به‌خرج دادن و نوشتن یک نامه دست‌نویس به مخاطبان نشان می‌دهد چقدر برایمان ارزشمند است. یک نامه دست‌نویس، نشان‌دهنده محبت و انرژی و زمانی است که نویسنده برای بیان حرف‌ها و احساسات خود صرف کرده؛ بنابراین گیرنده، احساس ارزشمندی زیادی می‌کند.

### ■ نامه‌می‌نویسم، چون نامه‌مانندگار است

اگر پیشینیان و پدر و مادران ما هم مثل امروز ما برای بیان حرف‌ها و درددل‌ها و احساساتشان، نوشتن یادداشت‌های زیبایی که از نظر ارزش‌های ادبی و بار عاطفی، از جمله میراث معنوی تاریخ هر سرزمین به حساب می‌آیند، از شبکه‌های ارتباطی مجازی استفاده می‌کردند، امروز هیچ اثری از آن‌ها نمانده؛ همه‌شان ادیت و دیلیت و سر به نیست شده بودند. یکی از مزایای نامه‌های دست‌نویس، همین ماندگار بودنشان است.

### ■ نامه‌می‌نویسم تا از دنیای مجازی فاصله بگیرم

این روزها همه آدم‌ها چنان غرق در روزمرگی و فناوری و مشغولیت‌های معمول و ناگزیر زندگی شده‌اند که چندان فرصتی برای خلوت‌و‌آرامش و تمرکز ندارند. با این توصیف، وقتی می‌خواهید بنشینید و نامه دست‌نویس بنویسید، هم به فاصله گرفتن از روزمرگی‌های معمول نیاز دارید و هم کنار گذاشتن تلفن همراه و همه شلوغی‌هایش، نامه‌نوشتن آرامش را هم برایتان به دنبال دارد.

### ■ پیام‌های مجازی جای نامه را نمی‌گیرند، چون...

پیامک‌های تلخن هم‌راه، شبکه‌های ارتباطی مثل تلگرام و... همه، در عین سرعت، یک جور شباهت کسل‌کننده دارند؛ دست‌خط‌های مشترک، تکیه کلام‌های مشترک، آیکن‌ها و اسمایلی‌های مشترک که آن‌طور که باید و شاید، حس واقعی پشت حرف‌ها را منتقل نمی‌کنند و هر دو طرف ارتباط هم، صبر و تحمل و انتظاری برای حرف‌زدن و گرفتن پاسخ، تجربه نمی‌کنند. روندی که مهم‌ترین تأثیرش، سطحی شدن حرف‌ها و احساسات و فراموشی خاطرات تلخ و شیرین است.

## برش‌هایی از نامه‌های جانبازان

### ■ دلم هوایی خاطرات است

برادر جان؛ اصغر آقا! امیدوارم حالت خوب باشد و در کنار خانواده محترم، در صحت و سلامت و سعادت، روزگار بگذرانی. اصغر جان! واقعا دلم برایت تنگ شده چون مدتی است روی ماهت را ندیدم و زیارتت نکردم. اگر موافق باشی در اولین فرصت با خانواده و بچه‌های جنگ دور هم جمع شویم و از ناگفته‌ها و خاطرات دوران دفاع مقدس حرف بزیم. دوران خاطره انگیزی که تا در حال و هوایش قرار نگیری، درک و توصیفش دشوار است؛ به خصوص برای نسلی که کمی از آن فضا فاصله گرفته. منتها دل ما هم به همین دورهمی‌ها و خاطره بازی‌ها خوش است. رفیق و ارادتمندت: حسین سقایی

### ■ با مهر برای خواهرم

این نامه را برای خواهر عزیزم از راه دور می‌فرستم. امیدوارم حالت خوب باشد و آقامنوچهر و پسر ت احسان و دخترت فاطمه شاد و سر حال باشند. می‌دانم که از دیدن نامه ما تعجب می‌کنید و می‌خندید که: این دیوانه شده! اما هدفم از نوشتن این چندسطر، علاوه بر شاد کردن دل شما و باز کردن لب‌تان به خنده، زنده کردن خاطرات نامه‌نگاری قدیم است. برادر کوچکت: ابودر

### ■ بایا دلم تنگ است

سلام بر پدر شهیدم! بایا؛ دلم برایت خیلی تنگ شده. از حال من اگر بخواهی، ملالی نیست جز دوری روی گل شما. دل‌تنگم ولی خون شما و برادر شهیدم رسول و شهدای هشت سال دفاع مقدس، این روزها به ایران ثبات و امنیت و آرامش داده است. نعمتی که کمتر به چشم می‌آید ولی ارزش خون دادن و جان دادن، داشت. این روزها خسته‌ام و دوست دارم زودتر به شما پیوندم؛ به امید دیدار. فرزندت: جلال بخشیان

همراه با جانبازان مرکز توانبخشی امام خمینی (ره) مشهد به بهانه زنده کردن فرهنگ نامه‌نگاری

## به هر کسی که دوست داری، یک نامه بنویس!

نوشتن می‌شود، درباره نامه‌نگاری در روزهای دورو خاطره انگیز دفاع مقدس می‌گوید: «نامه‌هایی ما به طور معمول بیشتر خطاب به خانواده‌مان و برای آگاه کردن آن‌ها از شرایطمان بود. گاهی نامه‌ها، شب‌عملیات نوشته می‌شد. شبی که معلوم نبود فردایش زنده هستیم یا نه؟ این جور وقت‌ها، نامه‌شکل وصیت‌نامه به خودش می‌گرفت. وصیتی که مشخص می‌کرد در این تاریخ، در کدام نقطه جغرافیایی و آماده کدام عملیات هستیم و با کدام گردان است. روی همین حساب، شاید تجربه دوباره نامه‌نگاری و حال و هوای آن، از مرکز توانبخشی جانبازان امام خمینی (ره)، که خانه دوم تعداد زیادی از یادگاران دفاع مقدس است، خالی از لطف نباشد. هوا سرد است، نم بارانی آمده، در خنکای فصل زمستان به پارک ملت و مرکز توانبخشی می‌رویم. عده‌ای در حال ورزش کردن و پیاده روی هستند و تعدادی هم قدم می‌زنند و صحبت می‌کنند. مقابل در ورودی آسایشگاه، پارچه‌نوشته کوچکی به چشم می‌خورد که شهادت یکی از جانبازان این مرکز را تبریک و تسلیت گفته! این آسایشگاه از سال ۱۳۶۲ راه‌اندازی شده و در حال حاضر، ۱۴۰ نفر از جانبازان ۷۰ درصد به بالای جنگ تحمیلی، در آن روزگار می‌گذراندند. تعداد زیادی از جانبازان به همراه آقای دوان، مسئول فرهنگی توانبخشی در حال صبحانه خوردن هستند. کنارشان می‌نشینیم و بعد از چای سلامتی، برنامه‌مان را که شامل دعوت از جانبازان به نوشتن یک‌نامه به هر کسی که دوست می‌دارند است، مطرح می‌کنیم. پیشنهادهای که با استقبال زیادی همراهی شود.

### ■ نامه جواب می‌خواهد

«کریم دوان» مسئول فرهنگی آسایشگاه توانبخشی که بقیه، «حاج آقا» صدایش می‌کنند، درباره شرایط عمومی آسایشگاه و جانبازان و البته بهانه دورهم جمع شدن امروزمان که نامه و نامه‌نگاری است، می‌گوید: «این آسایشگاه میزبان تعداد زیادی از جانبازان قطع نخاعی و ۷۰ درصد به بالای استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی است. از زمان تشکیل این مرکز توانبخشی تا به امروز، ۶۰ نفر از جانبازان ساکن در اینجا به درجه رفیع شهادت رسیدند. هر بار که تعدادی از مسئولان به دیدن و عیادت جانبازان این مرکز می‌آیند، فقط یادداشت‌ها و نامه‌هایشان را که به طور معمول درباره شرایط و خواسته‌های منطقی و بحقشان است می‌گیرند و می‌روند و دریغ از یک پاسخ. شاید باید فرهنگ نامه‌نگاری را که یک ارتباط دوطرفه است به بعضی‌ها یادآوری کرد. یادآوری این که تمام شیرینی نامه‌نگاری به پاسخ دادن، به‌نامه ای است که رسیده.» کریم آقا خودش هم دست به کار می‌شود و شروع می‌کند به نوشتن نامه به یک مخاطب فرضی!

### ■ نامه‌های ماندگار

حدود ظهر است و صدای اذان از بلندگوهای آسایشگاه به گوش می‌رسد که نامه‌های نوشته‌شده توسط جانبازان مرکز توانبخشی امام خمینی (ره) را جمع می‌کنیم و از همه‌شان تشکر و خداحافظی می‌کنیم. نامه‌هایی که سطر به سطرشان، حرف‌های فروخورده جانبازانی است که دیوار به دیوار شادی و سرخوشی جوانان پارک، با افتخار، درد را به جان می‌خرند. نامه‌هایی که با اجازه نویسنده‌اشان، قرار است خوانده و چاپ شود. نامه‌هایی که قرار است ماندگار شود. با هم تعدادی از این‌نامه‌ها را مرور می‌کنیم. نامه‌هایی ساده، اما با صدا و دل‌نشین.



عکس: عاطف بناخ



همکلام با اسماعیل فریدونی که به دنبال احیای نامه‌نگاری بین مردم است

## دست‌نوشته، عصاره تفکر و احساس ماست

و این روزها به دنبال یک حامی برای سرمایه‌گذاری در این طرح فرهنگی هستیم. من می‌خواهم از آدم‌ها و اقشار مختلف در مکان‌های گوناگون، دعوت کنم حال و هوایشان را روی کاغذ ثبت کنند و با جمع‌آوری و ثبت این‌نامه‌ها، فاصله روحی و فرهنگی بین نسل‌ها، بین جوانان امروز و جوانان دیروز را که گسترده و عمیق است، پر کنم و نسل جدید را با نامه‌هایی که در گذشته با عشق و عاطفه نوشته شده، آشنا و مانوس کنم. در این راه اگر رسانه‌ها هم به کمک بیایند، تلاش من تأثیرگذارتر خواهد بود. من معتقدم هر یادداشتی که با دست نوشته شود، اتفاق فرخنده‌ای است؛ روی همین حساب نام طرح را «فرخ‌نامه» انتخاب کردم. طرحی که از مردم دعوت می‌کرد در خانه، محل کار، مدرسه و مراکز تفریحی، به دوستان و آشنایان و دورو بری‌ها، نامه بنویسند. حتی تخیل و خلاقیتشان را به کار بگیرند و به گیاهان و حیوانات و پرندگان، نامه بنویسند. برای اجرای این طرح، غرفه‌هایی در مراکز عمومی راه‌اندازی و قلم و کاغذ در اختیار مردم گذاشته شد و حتی صندوق‌هایی تعبیه شد که نامه‌های نوشته‌شده، در آن نگاه‌داری شود. حتی پیشنهاد شد خطاطانی بیایند و این‌نامه‌ها را با خط خوش بنویسند تا در قالب کتاب، چاپ شود.

باز هم تأثیر دست‌نوشته‌ها به جای خود باقی است. درست است که پیامک‌ها، فوری به دست مخاطب می‌رسند اما نوشتن نامه، حس خوب وقت گذاشتن برای کسی که برایمان مهم است و حس تشنگی انتظار را به همراه دارد. این دلیلی بود که به خاطر آن شروع کردم به نامه‌نوشتن و به دوستان و اطرافیان اعلام کردم من برایتان نامه می‌نویسم و از شما هم می‌خواهم تانامه‌هایم را پاسخ دهید. اوایل همه انتقاد می‌کردند که دوره‌نامه نگاری گذشته و این فرهنگ قدیمی شده و بازنگاری‌های پرسرعت این روزها همخوانی ندارد. ولی من همیشه یک جواب می‌دادم؛ می‌گفتم‌نامه ابزار نیست. نامه یک رسانه است. نفس نوشتن نامه یک روند زیباست که باید زنده شود.

### ■ و با همین نیت، طرحی درباره احیای نامه‌نگاری به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارائه کردید؟

بله. طرحی با موضوع تشویق مردم به‌نامه نگاری به نام «فرخ‌نامه» بود که در سال ۱۳۹۲ به اداره فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی ارسال کردم و با پیگیری‌های انجام‌شده، ابتدا در اداره فرهنگ و ارشاد استان خراسان رضوی و بعد در اداره فرهنگ و ارشاد تهران به ثبت رسید

در دوره‌ای که رسانه‌های دیجیتال جای رسانه‌های قدیم را تنگ کرده‌اند، نامه‌های دست‌نویس و فرهنگ نامه‌نگاری تقریباً به فراموشی سپرده شده است. منتها هنوز هستند کسانی که دلشان برای زنده و پررنگ کردن این سبک ارتباطی می‌تپد و در حد توان خود، سعی می‌کنند در این راه قدم بردارند. «اسماعیل فریدونی» یکی از همین علاقه‌مندان دلسوز حوزه نامه‌نگاری است که با راه‌اندازی پروژه «نامه به هر کسی که دوست داری...» و مراجعه به جمع‌های مختلف مردم و دعوتشان به نامه نگاری در همان لحظه، یکی از احیاکنندگان این فرهنگ به شمار می‌رود؛ طرحی برای تشویق مردم به نامه‌نگاری که در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی هم به ثبت رسیده است. در ادامه، گپ و گفت ما را با ایشان می‌خوانید.

### ■ چه شد که ایده زنده کردن فرهنگ نامه‌های دست‌نویس به ذهنتان رسید؟

من به تأثیر دست نوشته اعتقاد دارم. دست نوشته، عصاره تفکر و احساسات آدم‌هاست. حتی دستخط هر آدم نشان‌دهنده روحیه و حال و هوای اوست. معتقدم اگر هزاران رسانه دیجیتال هم وجود داشته باشد،